

بسم الله الرحمن الرحيم

چی می خواهید: پایان رهبری مرد بالای زن یا پایان رهبری غرب بالای امت مسلمه؟!؟



(ترجمه)

رهبری مرد بالای زن یا سرپرستی زن به وسیلهٔ مرد، موضوعی است که اعتراضات سازمان ملل، بخصوص امریکا و انگلیس را برانگیخته تا جایی که به تعبیر خودشان این ظلم و بی حرمتی در حق زن می باشد. دفتر ثبت احوال حقوق بشر در خلیج فارس به ویژه در عربستان سعودی اقدام به هجوم شدید بین المللی به هر آنچه که متعلق به حقوق زن مسلمان بود، نمودند. قسمی که سازمان دیده بان حقوق بشر خواهان ریشه کن کردن نظام رهبری مرد بالای زن بوده به این دلیل که آن مانع بزرگی برای فعالیت زنان است. لذا در پی آن تبلیغات گسترده ای را از طریق سایت ها و شبکه های اجتماعی در عربستان سعودی به منظور لغو قانون رهبری به راه انداخته اند.

سوال این جاست که انگلیس و امریکا در حالی که قوانین اصلاحی را برای ما مسلمانان صادر نموده و یک حکم شرعی را به مسئلهٔ بین المللی تبدیل نموده اند، آیا برای زنان خودشان در غرب، آرامش، اطمینان و ثبات را فراهم می نمایند، چنانچه زن مسلمان به دلیل اینکه شوهر، پدر و یا برادرش اولو الامر یا مسئول سرپرستی وی را دارند، مورد ترحم جهانی قرار می گیرد؟! دیگر اینکه رنج و مشقت زن مسلمان تا حدی شدت یافته است که همه روزه شاهد قتل، آزار و اذیت جنسی، عذاب، گرسنگی و زندانی شدن شان در سرزمین های اسلامی چون برما، سوریه، عراق، یمن و فلسطین هستیم یا این که امریکا و انگلیس سخنی از رنج و مشقت های که با دست خود شان برای ما ساختند، نمی زنند؟!؟

هجوم بر احکام شرعی متعلق به زن، موردی است که غرب استعمارگر از گذشته تا به حال نهایت سعی و تلاش خود را در این راستا به خرچ داده است، ولی از ابتدا روشن بود که هدف شان اصلاح نه، بلکه نابودی خانواده، جامعه و بطور کامل تمامی امت بوده و

محرقات توجه شان مبدأ و اساس فکری زن مسلمان برای جلوگیری وی از فعالیت برای نهضت، بیداری و نجات امت مسلمة از این انحطاط می باشد.

غرب کافر بالای حکم شرعی که عبارت از سرپرستی زن به وسیله مرد است، با توجیه مساوات میان زن و مرد، تحت هجوم قرار می دهد، اما این فکر خیالی است که گویا هواداران غربی خود را به آسمان دور هم جمع نموده و سپس با سرعت خیلی زیاد به زمین پرتاب می نماید، در حالی که مساوات زن و مرد، با قوانین خودشان در تناقض و اختلاف بوده، حتی از اجرای مساوات میان شان در پرداخت دست مزد آن ها عاجز مانده اند، اما در سرزمین های اسلامی قوانین بسته بندی شده ای را می آورند که تاریخ تصویب آن به دوره دیکتاتوری خودشان بر می گردد که عبارت از عادات، تقالید، قیودات محدود دینی و جامعه مرد سالاری ظالم شان می باشد، زیرا نظر به ادعای خودشان تضمین حقوق زن با پایان یافتن رهبری مرد بر وی صورت می گیرد. بناءً قبل از اجراء شدن این قانون در سرزمین های خود شان، در سرزمین های امت مسلمة دست به چنین شعاراتی می زنند: "پایان یافت عصر برده داری، پایان یافت عصر تحریم زن، زن یک موجود روشن فکر و صاحب خرد است، زن صلاحیت زندگی خویش دارد، زن کنفرانس ها رهبری می کند، اجتماع و محافل را سرپرستی می نماید، وقت آن رسیده است که زمان را به دست گیرد و موقف خود را کسب نماید". سپس این عبارت را به آن افزودند: "دست به دست و شانه به شانه با مرد!!"

بنابر این، پادشاه سعودی محمد بن سلمان بخاطر وفاداری به باداران غربی اش در صدد آن شد تا عملی را که پیشینیان وی از اجرای آن عاجز مانده بودند، انجام دهد و نظر به ادعای خودش، پیروزی برای زن است. وی ضمن "چشم انداز 2030 احکام شرعی مربوط به روابط اجتماعی مرد و زن را در بدل کسب رضایت ناقدین غربی خویش به معامله انداخت، در خلال گنجاندن تحولات در یک گام برای لغو رهبری مرد و توجه به این دست آورد، جهش بزرگی چون "ابتکار" و "پیشگام" نظر به ادعای خودشان برای زن می باشد.

و این یک عمل زشت سیاسی است، که عمداً از یک حکم شرعی برای بد جلوه دادن و اجراء و تطبیق آن سوء استفاده صورت گیرد؛ به این دلیل که آن مشکلی است که مانع مصالح و معاملات مردم می شود، در حالی که حکم شرعی به عنوان راه حل برای افعال بندگان، ارتباطات و امور زندگی شان واضح و آشکار شده است. مسئله رهبری مرد بر زن تا حدی به درازا کشیده شده است که منجر به صدور پیمان نامه های رسمی و اداره مصالح روزمره، اعم از عقود و معاملات یا حتی کار شده است.

بنا بر این، خللی را که به حکم رهبری مرد بالای زن در عربستان سعودی وارد نظام قانونی نمودند، برخاسته از اسلام و قوانین اسلامی نبوده؛ بلکه در اساس و جزئیاتش برگرفته از همان قوانین سرمایه داری ساخته دست بشر می باشد، اما با ظاهر اسلامی، به این منظور، مقتضی جامعه ای باشد که از عقیده و احکام شرعی گرفته و به آن ایمان راسخ دارند، اما از لحاظ فکری-که بر اساس آن استوار است- از لحاظ تطبیق عملی آن کاملاً با حکم شرعی در تناقض قرار دارد.

علاوه بر آن، در خواست لغو کامل رهبری همیشه با حمایت بین المللی مطرح شده و برای تنفیذ آن سازمان های جهانی و داخلی تلاش می ورزند تا اینکه بیانیه ای از یک زن فعال در عرصه حقوق زن در عربستان سعودی برای دفتر خبرگزاری فرانسه گزارش شد: «ما نیازمند بیشتر از این هستیم. لازم است تا نظام رهبری بطور کامل لغو گردد.»

آیا واقعاً همین است آنچه که زن مسلمان بدان نیاز دارد؟ آیا این قوانین دست ساخته بشر تمام حقوق وی را تضمین می کند و از آن یک انسان قوی، پایدار و با فرهنگی که مطابق اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی زندگی کند، می سازد؟ پس آیا داشتن نقش بارز در دنیا برای یک زن مسلمان کافی است؟!

اصل در احکام شرعی آن است که بطور کامل توسط نظام اسلامی تطبیق و اجراء گردد و در عین حال دولت حفاظت کننده احکام نیز می باشد تا اینکه توازن طبیعی را در فرد، جامعه و دولت به وجود آید و پذیرش احکام و مقررات اسلامی و تعهد به انجام آن قبل از اینکه به زور و قوت حاکم باشد، بخاطر تقوی الهی باشد. از آن به بعد حکم رهبری همگام با نظام اجتماعی، احکام جامعه، عرف، افکار و اعتقادات راسخ مردم به پیش می رود، سپس به وسیله دولت عدالت برپا شده و واقعاً این امتیازی است برای زن مسلمان نه مانند تصویری نمایشی و تاریک غرب، که پدر به عنوان یک زندان بان، شوهر یک تسلط کننده زن و دختر یک موجود شکست خورده ناچار و مظلوم می باشد یا همانطور که توسط حکام به زشت ترین شکل آن تطبیق می گردد، که نه در آن حساب و سنجشی و نه قوانینی برای حفاظت زن وجود دارد.

در اسلام رهبری مرد بالای زن، تکلیف و مسئولیت از سوی الله سبحانه و تعالی برای مرد است؛ قسمی که در تمام مؤسسات، مراکز و سازمان ها، افرادی چون رئیس، مدیر و مسئول وجود دارند که دیگران را رهبری و سرپرستی می نمایند. بناءً وظیفه رهبری عمل قابل اجراء است که توسط مرد در نهاد خانواده برپا می گردد که عبارت از همان اداره خانواده، دادن نفقه، مراقبت صحیح و انجام مسئولیت بصورت کامل می باشد، چنانچه الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾

[نساء: 34]

ترجمه: مردان سرپرست و نگهبان زنان اند، بخاطر برتری هایی که الله (سبحانه و تعالی از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاق هایی که از اموال شان (در مورد زنان) می کنند.

در این آیت مراد از افضلیت و برتری تقوی نیست، بلکه برتری از لحاظ قوت جسمی، عقلی و مادی است که فطرت سلیم و نظریات مستقیم آن را اقرار نموده و این برتری، حکمت الهی است که مسئولیت آن بر عهده مرد بوده که ملزم به اجراء وظیفه شرعی مطابق به فطرت خویش می باشد. قسمیکه زن ملزم به اجراء مسئولیت ها و وظایف خویش است که مطابق فطرت وی می باشد. پس قضیه منحصر به مرد بودن و رهبری نیست؛ بلکه مشرف شدن به تکلیفی است که تابع آن می باشد؛ زیرا رهبری امور مطابق به فطرت مرد بوده قسمی که الله سبحانه و تعالی بعضی از ویژگی ها را مطابق با فطرت زن به وی عطاء فرموده است. بناءً مرد سرپرست و مسئول حمایت، نفقه و تدبیر امور خانواده خود بوده، چنانچه زن هم مسئولیت های بزرگ و عظیمی دیگری را بر عهده دارد. پس هیچگاه رهبری مرد به معنای نابود ساختن شخصیت زن نبوده، بلکه عبارت از مساعدت، مراقبت و آگاهی از امور می باشد. این رهبری از خود حد و مرزی دارد و دقت و توجه زیادی لازم دارد.

بی نیازی از قانون رهبری موجود در نظام اسلام به معنای از هم پاشیدن زنجیر پیوسته خانواده است که اساس یک جامعه می باشد. بی نیازی از رهبری سبب بدبختی زن می شود؛ زیرا زن مجبور است تا مسئولیت های بزرگی را که بالاتر از توان و ظرفیت وی است،

تحمل نماید و فطرت و تمام زندگی وی را ناآرام و آشفته می‌گرداند. در مقابل، لغو رهبری باعث ضعف و سستی مرد و فعالیت‌هایش نیز می‌شود؛ در عین حال باعث می‌شود تا زن از مردی که نه مسئولیت و نه رهبری را بر عهده دارد دوری گزیند. بهترین مثال‌ها را در جامعه غربی می‌توان دریافت تا جایی که مخالف فطرت‌شان عمل نموده و در عین حال ادعای با هوش بودن و روشن‌فکری را نیز می‌کنند. آن‌ها از مرد و زن یک جنس واحدی ساختند؛ در حالی که به خصوصیات منحصر به فردشان توجه صورت نمی‌گیرد. پس اسبابی که سبب بکار انداختن زن بیش از توانش و در عین حال باعث پایان توان بدنی، معنوی و مادی آن می‌شود، همانا عدم اشباع نیاز فطری وی می‌باشد.

مقوله‌ای از داکتر اوجست فوریل تحت عنوان رهبری زن: «خوشبختی برای یک زن غیرممکن است؛ مگر اینکه درک و احساس احترام به شوهر را داشته و برخورد محترمانه و با عزت با شوهرش داشته باشد و لازم است تا به عنوان بهترین نمونه از لحاظ توانایی جسمی، شجاعت، فداکار و دارنده ذهنیت برتر... به آن بنگرد؛ در غیر آن صورت، مرد به زودی تحت سیطره و تسلط زن در می‌آید. ... و این غیرممکن است که رهبری زن در خانواده منجر به سعادت و خوشبختی گردد؛ زیرا مخالف فطرت زن بوده چنانچه فطرت زن مقتضی آن است که مرد به اساس عقل و ذکاوت و اراده خود بر وی رهبری کند تا اینکه زن با قلب و عاطفه خود مرد را رهبری نماید.»

زن در خلیج عربی لازم است تا اول خواهان لغو رهبری غرب کینه‌توز باشد که هر لحظه در تلاش است وی را بگونه کامل نابود سازد؛ قسمی که زنان خودشان را نابود و فاقد شخصیت و عقیده نمودند و اینکه خواستار لغو رهبری امریکا بر سرزمین حرمین شریفین و پایان رهبری زورمندان و سرمایه‌داران باشد. هم‌چنان خواهان لغو رهبری اداره اطلاع‌رسانی امریکا باشد که با وجود هجوم و حمله بر سرزمین‌اش، مورد محاسبه و پرسش قرار نمی‌گیرد. پس آیا این زن رهبری غرب کینه‌توز که نسل‌ها را به هلاکت رساند نادیده می‌گیرد تا این که از بزرگترین خواسته‌های زن لغو رهبری مرد بر وی باشد؟! و آیا سرپرست و عهده‌دار زندگی خود خواهد ماند؛ در حالی که خلاف فطرت و دین خود عمل می‌کند یا اینکه گمراه و بدبخت خواهد شد؟!

پس ای خواهران ما در خلیج عربی، از شما به عنوان جزء ناگسستنی از پیکر این امت عظیم می‌خواهیم تا برای اعاده دوباره زندگی اسلامی از طریق برپایی دولت خلافت کار و فعالیت نمایید تا عدالت و خیر اجراء شده و هرفرد به حقی که دارد، برسد و شانه به شانه هم، به فرمانروایی غرب در سرزمین‌های اسلامی خاتمه دهیم تا رهبری از آن دین و شریعت‌الله سبحانه و تعالی و امت مسلمه گردد و غرب استعمارگر دوباره به همان ذلت و خواری و شکست خود برگردد.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾

[آل عمران: 110]

ترجمه: شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.

نویسنده: نسرین بوظافری

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

5 صفر 1440 هـ.ق

14 أكتوبر 2018 م